

فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و دوم، شماره ۶۹، بهار ۱۳۹۳، صفحات ۱۳۰-۱۰۷

امکان‌سنجی ایجاد موافقنامه تجارت ترجیحی ایران با کشورهای گروه بربیکس

رضا سعیدی

کارشناس ارشد اقتصاد (نویسنده مسئول)

richard.sa.uk@gmail.com

خلیل سعیدی

استادیار علوم اقتصادی دانشکده حقوق، علوم سیاسی و علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
saeidi.khalil@yahoo.com

علی دهقانی

استادیار علوم اقتصادی دانشکده حقوق، علوم سیاسی و علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
dralidehghani@gmail.com

گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد سبب شد تا روابط و همکاری کشورها در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از کشورهای در حال توسعه بهویژه کشور ایران قرار گیرد. تعامل با چنین کشورهایی ایران را در ایجاد زمینه‌های لازم برای تجارت ترجیحی و همگرایی اقتصادی با خود مشتاق نموده است. در این پژوهش تلاش شده است با محاسبه شاخص‌های اندازه‌گیری مزیت نسبی، پتانسیل تجاری و تجارت مکملی در صادرات و واردات که در سطح بین‌الملل مطرح می‌باشند، فرسته‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای گروه بربیکس مشخص و برای اخذ تصمیمات لازم ارائه شود. دوره بررسی مربوط به سال‌های (۲۰۱۰-۲۰۰۰) و اطلاعات با استفاده از آماره منتشر شده از بانک جهانی و بانک اطلاعات تجاری بانک جهانی Wits استخراج می‌گردد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز با استفاده از شاخص‌های درایسلد برای تجارت مکملی روش پیشنهادی آنکتاد برای محاسبه شاخص پتانسیل تجاری (POT) و شاخص مزیت نسبی (RCA) می‌باشد.

اطبقه‌بندی JEL: F53, O24, P45
واژه‌های کلیدی: پتانسیل تجاری، مزیت نسبی، اکمال تجاری.

۱. مقدمه

امروزه جهانی شدن سبب باز شدن اقتصادهای ملی در ابعاد داخلی و خارجی شده و ضمنین بین‌المللی نمودن بازار جهانی محیطی کاملاً رقابتی ایجاد نموده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد مجال بقا خواهند داشت. یکی از ویژگی‌های جهانی شدن همگرایی اقتصادی، ادغام و یکپارچگی تجارت جهانی در قالب سازمانهای بین‌المللی و حرکت کشورها در جهت رفع موانع تعریفی و غیرتعریفی می‌باشد. با توجه به روند کنونی اقتصاد که به سمت یکپارچگی و جهانی شدن پیش می‌رود همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند نقش مهمی در حضور گسترش‌تر کشورها در صحنه‌های بین‌المللی ایفا نماید. برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. بعلاوه کشورها تلاش می‌کنند از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازار جهانی دست یابند تا مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نمایند. در اقتصادهای برنامه‌ریزی شده اندازه منطقه به درجه رشد کارایی کل اقتصاد آن بستگی دارد. بر حسب این تعریف معیار تقسیم‌بندی مناطق درجه کارایی اقتصادی است. عوامل مذکور سبب شد تا روابط و همکاری کشورها در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری‌های منطقه‌ای در دستور کار بسیاری از کشورهای در حال توسعه بهویژه ایران قرار گیرد. گام بعدی پس از همگرایی منطقه‌ای شکستن دیوار مرزها و تشکیل بلوک‌های تجاری با کشورهای هدف است که زمینه‌ساز توسعه روابط تجاری و همگامی با فرایند جهانی شدن می‌باشد و باز شدن اقتصاد کشورها نیز از مزایای آن در مراحل بعد خواهد بود. در چنین شرایطی بلوک‌های تجاری از طریق حذف موانع تعریفی و سایر موانع گمرکی موجود در منطقه و نیز دسترسی واحدهای تولید به بازارهای وسیع تر امکان‌پذیر می‌گردد و موانع انتقال سرمایه و تکنولوژی در محدوده منطقه برداشته می‌شود و در مجموع، افق‌های گسترش‌تری در برابر واحدهای تولیدی و شرکت‌ها گشوده می‌شود (غلامی، ۱۳۸۵).

اهمیت تحقیق از آنجا نشأت می‌گیرد که در واقع بیش از نیمی از تجارت جهانی در قالب بلوک‌های تجاری انجام می‌شود. بعلاوه، با افزایش روزگزرون تعداد موافقنامه‌های تجارت ترجیحی سهم تجارت به شکل بلوک‌های تجاری و در قالب این موافقنامه‌ها در جهان روند رو به رشدی را در پیش گرفته است. ساختار موافقنامه‌های مذکور متفاوت است و می‌توان آنها در دو گروه دسته‌بندی نمود. گروه اول موافقنامه‌هایی هستند که به طور فزاینده بین کشورهای غیرهمجوار تشکیل می‌شوند و گروه دوم موافقنامه‌هایی هستند که به صورت سنتی بین شرکای طبیعی تجارتی که از لحاظ جغرافیایی همسایه

هستند منعقد می‌گردد. در واقع، اغلب کشورها نخستین تجربه خود در انعقاد موافقتنامه تجارت منطقه‌ای را با یک یا چند کشور هم‌جوار خود پیدا می‌کنند. به طور کلی، ترتیبات همگرایی در ادبیات تجارت بین‌الملل با توجه به درجات همگرایی به دو طبقه همگرایی عمیق و همگرایی کم‌عمق تقسیم می‌شود. همگرایی عمیق شامل اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، اتحادیه اقتصادی و اتحادیه پولی و همگرایی کم‌عمق نیز عبارتند از موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی و مناطق آزاد تجاری. ایران با کشورهای نسبتاً هم‌جوار خود در دو بلوک اقتصادی همسایه خود سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO)، گروه D8 و سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC) هم‌گروه است. کشورهای عضو بلوک‌های مذکور از لحاظ اقتصادی و فرهنگی تقریباً با ایران در یک سطح قرار دارند و به عنوان شرکای طبیعی تجارت آن محسوب می‌شوند، اما کشورهای مورد مطالعه (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که توانستند به توسعه یافتنگی نزدیک شده و به عنوان اقتصادهای نوظهور مطرح شوند و در صورت انعقاد موافقتنامه تجارت ترجیحی بین ایران و کشورهای فوق در گروه اول از لحاظ ساختار موافقتنامه دسته‌بندی می‌شوند. از آنجایی که ایران به دنبال عضویت در سازمان جهانی تجارت است می‌باشد زمینه‌های لازم برای دستیابی به این هدف را تحقق بخشیده و با کاهش موانع تجاري به‌ویژه تعریفه (چراکه بزرگترین مانع تجارتی در کشورهای در حال توسعه به دلیل نیاز به درآمد حاصل از آن و بسته بودن اقتصاد موانع تعریف‌ای است) و ایجاد بسترها مناسب برای توسعه روابط تجارتی با کشورهای هدف و تشکیل بلوک تجارتی مراحل توسعه یافتنگی را هرچه سریعتر طی نماید و از آنجایی که کشورهای عضو گروه بربیکس به عنوان قطب‌های اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه مطرح شده‌اند می‌توانند الگویی مناسب برای ایران بوده و حضور در این گروه ایران را به اهداف اقتصاد جهانی و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نزدیک نماید.

ایران به لحاظ جغرافیایی در منطقه آسیای جنوب غربی قرار گرفته است که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و خلیج فارس است. ایران یک قدرت منطقه‌ای در جنوب غربی آسیا است و جایگاه مهمی را در به‌دلیل در اختیار داشتن صنعت نفت، صنعت پتروشیمی، گاز طبیعی و خودروسازی برای خود اقتصاد جهانی به‌دست آورده است و خطوط و مواصلات بین‌المللی شرق و جنوب شرق آسیا و اروپا توسط ایران فراهم می‌باشد، بنابراین به‌طور گستره‌ای مورد توجه قدرت‌های اقتصادی قرار گرفته است و با توجه به این شرایط حضور فعال در مجتمع و سازمان‌های اقتصادی و تجارتی منطقه‌ای و جهانی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به علاوه، به‌منظور عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت کاهش تعرفه‌ها می‌باشد مطابق زمانبندی با سرعت بیشتری صورت پذیرد و عضویت ایران در پیمان‌های

مناطق‌ای جدید می‌تواند برای دستیابی به اهداف توسعه روابط اقتصادی بین‌المللی مفید باشد، چراکه در چارچوب چنین تشكل‌هایی موائع تجاری و تعرفه‌ها در سطح منطقه حذف می‌گردد و دسترسی به بازارهای بزرگتر فراهم می‌شود (رحمانی، عسگری و عابدین، ۱۳۸۵).

ایده شکل‌گیری گروهی به نام بریک در سال ۲۰۰۱ توسط مؤسسه سرمایه‌گذاری گلدممن ساکس (شرکت خدمات مالی و بانکداری آمریکایی و چندملیتی)^۱ به منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر آن در نیم قرن آینده مطرح گردید. گروه بریک شامل کشورهای برزیل، روسیه، چین و هند بود که پس از آن در سال ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی خواستار پیوستن به گروه مذکور شده که وزرای خارجه کشورهای بریک پس از نشستی موافقت خود را با این عضویت اعلام نمودند. کشورهای عضو بریکس بر موضوعاتی نظری روش‌های بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان متوجه گردیدند، همچنین این کشورها درخصوص برقراری روابط پولی و تجاری نزدیک با یکدیگر و ایفای نقش مؤثر و بیشتر در امور اقتصادی جهان به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند.

کشورهای عضو گروه بریکس از لحاظ اقتصادی دارای ساختار نسبتاً مشابه می‌باشند و جزء وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شوند و به پیشازان اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه تبدیل شده‌اند (بجز کشور روسیه که کشوری توسعه یافته محسوب می‌شود) و به واسطه اقتصادهایی با رشد پرشتاب و فرآگیر و نفوذ تأثیرگذار بر امور جهانی و منطقه‌ای از دیگر کشورها متمایز می‌باشند. همچنین کشورهای عضو گروه بریکس بهویژه چین و هند جزء شرکای مهم تجاری ایران محسوب می‌شوند و اکمال تجارت بالایی در تجارت ایران با کشورهای مذکور وجود دارد، بنابراین تعامل با چنین کشورهایی الگوی مناسبی برای پیشرفت کشور ایران بوده و توسعه روابط تجاری با آنها می‌تواند زمینه‌های رشد اقتصادی ایران و حضور پررنگ‌تر آن در عرصه تجارت جهانی را ایجاد نماید. دلیل انتخاب کشورهای مذکور به عنوان شرکای مناسب جهت ایجاد موافقنامه تجارت آزاد و بلوک تجارتی علاوه بر الگو بودن و جایگاه آنها در تجارت ایران همخوانی شرایط اقتصادی ایران با کشورهای مورد مطالعه و منافع حاصل از گسترش روابط تجاری با کشورهای مذکور و ... می‌باشد.

با توجه به شرایط کشورهای مورد مطالعه و نیز شرایط ایران (به عنوان یکی از اقتصادهای پرقدرت در منطقه خاورمیانه، داشتن منابع غنی معدنی و طبیعی و همچنین ذخایر فراوان نفت و گاز)، توسعه ارتباط ایران و کشورهای مذکور به طور قطع موجب ارتقای تجارت منطقه‌ای و جهانی شده و کشورهای مورد مطالعه می‌توانند بازارهای مناسبی در جذب صادرات ایران و تأمین نیازهای وارداتی

1. Goldman Sachs

ایران باشند. در مقاله حاضر که برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده میباشد با بررسی و تعیین کالاهای مزیت دار و پتانسیل صادراتی و وارداتی ایران و کشورهای گروه بربیکس و اندازه گیری شاخص تجارت مکملی که تشابهات نیازهای وارداتی و صادراتی ایران و کشورهای مورد مطالعه را نشان می دهد تلاش شده است تا امکان همگرایی اقتصادی و توسعه روابط تجاری ایران با کشورهای گروه بربیکس بررسی و سنجیده شود. آمار مورد استفاده در این پژوهش از سایت بانک جهانی (Sایت نرم افزاری Wits) و در بازه زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۰) گرفته شده و سایر محاسبات بر اساس متداول‌تری انجام شده است.

۲. شرایط اقتصادی-اجتماعی کشورها

کشورهای گروه بربیکس با جمعیتی حدود ۳ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۱ درصد از جمعیت جهان را داراست و کشورهای چین و هند به ترتیب با جمعیتی حدود $1/3$ و $1/2$ میلیارد نفر رتبه های اول و دوم را به خود اختصاص داده اند. ایران در این رتبه بندی با جمعیتی حدود ۷۵ میلیون نفر در جایگاه ۱۷ قرار گرفته است. تولید ناخالص داخلی در برگیرنده ارزش مجموع کالاهای خدماتی است که طی یک دوران مشخص معمولاً یک سال در یک کشور تولید می شود و یکی از معیارهای تعیین توان و ظرفیت اقتصادی کشورها در تولید و مصرف می باشد. بر اساس آمار موجود، ارزش تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۱ حدود $3541/4$ میلیارد دلار بوده و جایگاه سوم را در جهان به خود اختصاص داده است. سهم گروه بربیکس از تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۱۱ با تولیدی به ارزش ۶۱۵۳ میلیارد دلار $14/5$ درصد و ارزش تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۹ رقمی بالغ بر ۱۵۸ میلیارد دلار بوده است. همچنین بیشترین درآمد سرانه در سال ۲۰۱۱ متعلق به کشور روسیه بوده که در سال ۲۰۱۱ رقمی بالغ بر ۱۲۵۸۶ دلار بوده و کمترین درآمد سرانه در سال مذکور متعلق به هند با رقم ۱۵۱۴ دلار بوده که با جمعیت بالای کشور هند دور از ذهن نیست و درآمد سرانه ایران در سال ۲۰۱۱ حدود ۷۹۰.۸/۶ دلار بوده است.

بر اساس آمار موجود بیشترین سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۱۰ متعلق به چین با ارزشی حدود ۱۸۵ میلیارد دلار می باشد. ارزش سرمایه گذاری مستقیم در جهان در سال ۲۰۱۰ $1457/5$ میلیارد دلار و سهم کشورهای عضو گروه بربیکس با $30/2$ میلیارد دلار 20 درصد بوده است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در سال ۲۰۱۰ رقمی بالغ بر $3/6$ میلیارد دلار بوده که وضعیت آن نسبت به سایر کشورها (بجز آفریقای جنوبی) بسیار نامناسب می باشد.

بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ گزارشی را در خصوص چارچوب بهبود فضای کسب و کار و شناسایی چالش های موجود جهت ارتقاء وضعیت فضای کسب و کار با بررسی 183 کشور جهان ارائه داده که نتایج حاکی

از آن است که وضعیت ایران از لحاظ شاخص مذکور طی دوره (۲۰۱۳-۲۰۱۲) نامناسب‌تر شده و یک پله تنزل داشته است. آفریقای جنوبی بارتبه ۳۹ بهترین جایگاه را بین کشورهای مورد مطالعه دارد.

در خصوص شاخص رقابت‌پذیری جهانی (GCI) و به موجب گزارش مجمع جهانی اقتصاد چین در سال ۲۰۱۳ در مقایسه با ۱۴۴ کشور بررسی شده با احراز ارزش ۴/۸۳ رتبه ۲۹ را در جهان به خود اختصاص داده و وضعیت بهتری را نسبت به سایر کشورهای مورد مطالعه کسب نموده و ایران نیز طی دوره مورد بررسی از لحاظ شاخص رقابت‌پذیری بدتر شد و رتبه آن از ۶۶ در سال ۲۰۱۲ به ۶۷ در سال ۲۰۱۳ تنزل یافت.

از لحاظ شاخص توسعه انسانی روسیه در سال ۲۰۱۱ با احراز ارزش ۰/۷۵۵ و رتبه ۶۶ بهترین جایگاه را به خود اختصاص داده است و به همراه کشورهای بزریل و ایران جزء کشورهای دارای توسعه انسانی بالا می‌باشد و سه کشور دیگر دارای توسعه انسانی متوسط می‌باشند.

بر اساس اندازه‌گیری به عمل آمده از طریق بنیاد هریتیج در خصوص شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۱۳ آفریقای جنوبی بارتبه ۷۴ بهترین جایگاه (دارای اقتصادی نسبتاً باز) را بین کشورهای مورد مطالعه از آن خود نموده است. ایران نیز با ارزش ۴۳/۲ رتبه ۱۶۸ را میان کشورهای جهان کسب نموده است و بدترین وضعیت (دارای اقتصادی کاملاً بسته) را بین کشورهای مورد مطالعه دارد.

۳. تجارت

بر اساس آمار موجود ارزش صادرات جهانی کشورهای گروه بریکس در مجموع ۳۰۶۶ میلیارد دلار بوده و بیشترین صادرات جهانی با رقم ۱۸۹۸/۴ میلیارد دلار متعلق به کشور چین است که از این مقدار بهترتب ۱۴/۸ میلیارد دلار (۰/۰۸ درصد) با ایران و ۱۳۴/۶ (۱/۷ درصد) با کشورهای هم‌گروه خود در بریکس صادرات داشته است. ایران نیز در سال ۲۰۱۱ رقمی بالغ بر ۱۳۰ میلیارد دلار داشته که از مقدار مذکور ۶/۴ درصد یعنی ۸/۳ میلیارد دلار به کشورهای گروه بریکس صادر شده است. ارزش واردات جهانی کشورهای گروه بریکس در سال ۲۰۱۱ در مجموع ۲۸۳۸ میلیارد دلار بوده و چین با ۱۷۴۳/۴ میلیارد دلار واردات بیشترین واردات را داشته که از مقدار مذکور ۳۰/۳ میلیارد دلار (۱/۷ درصد) از ایران و ۱۴۸/۲ میلیارد دلار (۰/۵ درصد) از کشورهای هم‌گروه خود واردات داشته است. واردات جهانی ایران در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۶۸ میلیارد دلار بوده که ۹/۶ میلیارد دلار (۱۴/۱ درصد) آن از کشورهای گروه بریکس وارد شده است.

در جدول (۱)، ۵ شریک عمده صادراتی و وارداتی ایران در سال ۲۰۱۰ ارائه شده است. بر اساس جدول مذکور ارزش صادرات و واردات جهانی ایران در سال ۲۰۱۰ بهترتب برابر با ۸۴ میلیارد دلار و ۵۴/۷ میلیارد دلار بوده است و عمده‌ترین شرکای صادراتی ایران در سال مذکور عراق، چین، امارات،

هندوستان و افغانستان می‌باشد که در مجموع ایران صادراتی به ارزش ۱۵۵۲۵ میلیون دلار به کشورهای مذکور داشته و سهم آنها در صادرات ایران ۱۸ درصد بوده است و از این مقدار بالغ بر ۱۲ درصد یعنی رقم ۱۸۹۳ میلیون دلار صادرات نفت و گاز می‌باشد. بیشترین تنوع در کالای صادراتی در صادرات ایران به کشور عراق با ۱۳۸۵ نوع کالا و کمترین تنوع نیز با ۲۳۵ قلم کالا در صادرات ایران به کشور هند بوده است.

جدول ۱. شرکای صادراتی و وارداتی ایران در سال ۲۰۱۰
(میلیون دلار)

ردیف	۵ شریک عمده صادراتی	ارزش صادرات ایران در ۲۰۱۰		
		کل صادرات	صادرات نفت و گاز	تعداد کالاهای صادراتی
۱	عراق	۴۶۰۲	۱۵۳	۱۳۸۵
۲	چین	۴۴۵۰	۷۶۶	۲۳۸
۳	امارات	۳۴۸۴	۸۸۹	۷۹۱
۴	هند	۱۶۷۳	۸۵	۲۳۵
۵	افغانستان	۱۳۱۶	۱	۱۱۴۹
	جهان	۸۳۷۸۵	۴۹۸۷۷	۲۶۳۰

ردیف	۵ شریک عمده وارداتی	ارزش واردات ایران در سال ۲۰۱۰		
		کل واردات	واردات نفت و گاز	تعداد کالاهای وارداتی
۱	امارات	۱۵۶۷۱	۱۷/۹	۳/۷۸
۲	چین	۵۷۱۵	۰/۰۰۱	۳۰۰۸
۳	آلمان	۴۴۶۴	۰/۰۷۴	۲۴۳۴
۴	کره	۳۶۸۷	۰/۰۹۲	۱۴۸۲
۵	ترکیه	۲۳۲۴	۰/۳۰۰	۲۳۵۴
	جهان	۵۴۶۹۷	۱۷/۳	۴۰۸۷

Source: <https://wits.worldbank.org/>.

۴. پیشنه تحقیق و مرواری بر مطالعات تجربی

بسیاری از محققان از جمله بالا (۱۹۶۵) در مطالعات تجربی خود با کمک گرفتن از تئوری‌های مختلف تجارت بین‌الملل به معرفی شاخص‌ها و معیارهایی پرداخته‌اند که پتانسیل‌های تجاری کشورها را در حوزه تجارت جهانی آشکار می‌سازد. بر اساس دیدگاه وی میزان پتانسیل تجاری کشورها متأثر از تعدادی عوامل می‌باشد که برخی از آنها با توجه به منابع اطلاعاتی و آماری موجود قابل اندازه‌گیری است و برخی دیگر از عوامل غیرقابل اندازه‌گیری می‌باشد. بر این اساس، وی توانسته است پتانسیل تجاری کشورها را با بررسی الگوهای تجاری کشورها و در سطح بخشی و کالایی در تجارت بین‌المللی آشکار نماید. به‌منظور بررسی پتانسیل تجاری با تکیه بر عرضه عوامل تولیدی لازم است ابتدا ظرفیت و شدت دسترسی به عوامل تولید کالای صادراتی شناسایی شود که مطالعه مذکور در چاچوب مدل هکشر-اوهلین^۱ قابل بررسی است. محاسبه پتانسیل تجاری با تکیه بر میزان ظرفیت عوامل تولیدی به چند دلیل دشوار است. عدمه‌ترین آن عدم دسترسی به اطلاعات به‌روز و قابل اعتماد به صورت جزء و در سطح کالایی در زمینه تولید کالا و منابع و امکانات در دسترس کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

روش‌های مورد استفاده برای تعیین پتانسیل تجاری عمدتاً مبتنی بر دو روش است: روش مبتنی بر مطالعات اقتصادسنجی و روش مقایسه ساختار تجاری با استفاده از شاخص‌های ساده ریاضی. این روش‌ها صرفاً امکان تجارت به صورت دو یا چند جانبه کشورها را نشان می‌دهند میزان پتانسیل تجاری میان کشورها به صورت دو جانبه را نیز آشکار می‌سازند. روش تعیین پتانسیل تجاری بر مبنای مطالعات اقتصادسنجی از طریق تخمین مدل جاذبه، میزان پتانسیل تجاری میان کشورها در سطح بخشی و نه صرفاً کالایی برآورد می‌شود که یکی از معایب این روش محسوب می‌گردد.

در مواردی که هدف تجزیه و تحلیل امکان و برآورد پتانسیل تجاری دو جانبه میان آن دسته از کشورهایی است که ابتدا هیچ رابطه تجاری با یکدیگر ندارند (نظیر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی) از شاخص‌ها و روش‌های مختلفی استفاده می‌شود که به صورت معادلات ریاضی در قالب فرمول‌های بسیار ساده، میزان و امکان تجارت میان کشورها به صورت بالقوه و در سطح کالایی آشکار می‌سازد. در روش مذکور میزان و امکان تجارت بین کشورها به طور بالقوه در سطح کالایی و بخشی آشکار می‌شود. در این روش، شاخص‌ها با استفاده از طبقه‌بندی‌های کالایی و بر حسب ارزش‌های مستقیم صادرات و واردات زوج کشورها (با استفاده از داده‌های پس از تجارت) قابل محاسبه می‌باشند. در ذیل

1. Hackscher-Ohlin

ابتدا به طور خلاصه به برخی مطالعاتی که در خارج و داخل در رابطه با همگرایی اقتصادی و برآورد شاخص‌های مورد مطالعه پرداخته‌اند اشاره می‌کیم، سپس به معیارهای شناخته‌شده برای بررسی امکان تجارت می‌پردازیم. مهدی‌پور (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی و کسینوس به ارزیابی و تعیین ظرفیت‌های تجاری دو جانبه ایران با کشورهای عضو موافقتنامه نظام تجارت ترجیحی سازمان کنفرانس اسلامی پرداخته و نتایج حاکی است طی دوره ۱۹۹۷-۲۰۰۱) بیشتر از ۷۵ درصد از ظرفیت صادراتی ایران به اعضای موافقتنامه و یش از ۶۰ درصد از ظرفیت وارداتی ایران از اعضای موافقتنامه بلاستفاده باقیمانده است.

حسینی و بزرگی (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان "ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های صادرات کالایی ایران به کشور آفریقای جنوبی" از شاخص‌های پتانسیل تجارتی، مزیت نسبی و شاخص کسینوس استفاده نمود و نتایج نشان داد کشور آفریقای جنوبی بین کشورهای آفریقایی دارای رتبه اول در تجارت با ایران می‌باشد و بخش اعظمی از پتانسیل صادراتی ایران به کشور مذکور بلاستفاده باقیمانده است.

قوش و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی کشورهای گروه بریک پرداخته و شرایط آنها و مدل‌های توسعه یافته‌گی تمام کشورها را مطالعه کرده و ترزا دی کاسترو (۲۰۱۰) نیز در مقاله‌ای دیگر شدت تجارت بین کشورهای گروه بریک (پیش از پوستن آفریقای جنوبی به گروه) طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۹) بررسی نموده و علاوه بر تجارت درون گروهی تجارت کشورهای گروه بریکس با اتحادیه اروپا را نیز بررسی نمود و نتایج حاکی از پیشرفت شدید تجارت بین چین-برزیل و چین-هند بوده و روسیه به عنوان شریک تجارتی ویژه برای اتحادیه اروپا شناخته شده است.

چندران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به بررسی تجارت مکملی بین هند و کشورهای عضو آسه آن در قالب RTA پرداخت و محصولاتی که هند و کشورهای آسه آن در تجارت با یکدیگر دارای اكمال تجارتی هستند را معرفی نمود و شیوه‌کی تاش و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تجارت دو جانبه بین ایران و کشورهای D8" تجارت درون گروهی و آثار رفاهی و نتایج حاصل از برداشته شدن موانع تعریفه‌ای را بین ایران و کشورهای گروه D8 بررسی می‌کند و نتایج حاکی از آن است که علیرغم انتظار با افزایش تجارت در قالب موافقتنامه رفاه کشورها افزایش نمی‌باید. جین کیم (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با استفاده از شاخص‌های شدت تجارت، اكمال تجارتی و... به بررسی چگونگی جریان تجارتی گره جنوبی با شرکای عمدۀ تجارتی خود (به عنوان مثال، چین، ایالات متحده آمریکا و ژاپن) طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۹) و افزایش جریانات سرمایه‌ای و مشارکت اقتصادی و کاهش موانع تعریفه‌ای سر راه واردات بین گره جنوبی و چین (ژاپن) را به عنوان راهکارهای لازم معرفی نموده است.

دو معیار شناخته شده که برای بررسی امکان تجارت میان کشورها در مطالعات تجربی استفاده می‌شود عبارتند از شاخص درایسلد^۱(1967) و شاخص کسینوس(Cosine). هر دو شاخص با اندازه گیری تجارت مکملی دو جانبه بین کشورها به این پرسش پاسخ می‌دهند که تا چه حد تخصص گرایی یک کشور در صادرات تکمیل کننده تقاضای وارداتی کشور دیگر است؟ در برخی مطالعات اخیر در حوزه تجارت بین الملل تلاش می‌شود تجارت مکملی کشورها را با استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی آشکار شده^۲ که متکی بر داده‌های پس از تجارت^۳ و مبتنی بر ارزش صادرات و واردات کشورها در سطح کالایی و مطابق با روش تحلیل عملکردی می‌باشد برآورد نمایند. برای این منظور شاخص درایسلد به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$C_{ij} = \sum_{k=1}^n \left[\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t} \cdot \frac{M_{ww}^t - M_{iw}^t}{M_{ww}^k - M_{iw}^k} \cdot \frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t} \right] \quad (1)$$

چنانچه طفین صورت و مخرج شاخص‌های سهم صادراتی و وارداتی کشور آ و زمدل مذکور

به ترتیب بر سهم صادرات جهانی ($\frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t}$) واردات جهانی ($\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t}$) ضرب گردد، آنگاه به رابطه

مزیت نسبی آشکار شده بالا سا خواهیم رسید. به این ترتیب خواهیم داشت:

$$C_{ij} = \sum_{k=1}^n \left[\frac{\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t}}{\frac{X_{ww}^k}{X_{ww}^t}} * \frac{X_{ww}^k / X_{ww}^t}{\frac{M_{ww}^t - M_{iw}^t}{M_{ww}^k - M_{iw}^k}} * \frac{\frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t}}{\frac{M_{ww}^k / M_{ww}^t}{M_{ww}^t}} \right] \quad (2)$$

1. Drysdale, P.

2. Revealed Comparative Advantage (RCA)

3. EX-Post

از سوی دیگر، می‌توان وزن سهم صادراتی رابطه مذکور را به صورت ذیل نوشت:

$$\frac{M_{ww}^t - M_i^t}{M_{ww}^k - M_{iw}^k} = \frac{M_{ww}^t (1 - \frac{M_{iw}^t}{M_{ww}^t})}{M_{ww}^k (1 - \frac{M_{iw}^k}{M_{ww}^k})} = \frac{M_{ww}^t}{M_{ww}^k} \left(\frac{(1 - \frac{M_{iw}^t}{M_{ww}^t})}{(1 - \frac{M_{iw}^k}{M_{ww}^k})} \right) \quad (3)$$

با توجه به فرمول پیشنهادی بالا مزیت نسبی رابطه (۴) و عدم مزیت نسبی رابطه (۵) کشورها عبارت است از:

$$RCA_i^k = \frac{\frac{X_{iw}^k}{X_{ww}^t}}{\frac{X_{ww}^k}{X_{ww}^t}} \quad (4)$$

$$RMA_j^k = \frac{\frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t}}{\frac{M_{ww}^k}{M_{ww}^t}} \quad (5)$$

از آنجایی که سهم کشورهای در حال توسعه از صادرات جهانی بسیار پایین است رابطه مذکور را می‌توان تقریباً معادل عدد یک فرض نمود در این صورت شاخص پیشنهادی درایسلد را می‌توان معادل رابطه زیر دانست:

$$\left(\frac{(1 - \frac{M_{iw}^t}{M_{ww}^t})}{(1 - \frac{M_{iw}^k}{M_{ww}^k})} \right) \quad (6)$$

$$C_{ij} \equiv \sum_{k \in s} \left[RCA_i^k \cdot \theta^k \cdot RMA_j^k \right]$$

در رابطه فوق $\frac{X_{ww}^k}{X_{ww}^T} \theta^k$ معادل می‌باشد.

شاخص مذکور در بسیاری از موضوعات مربوط به یکپارچگی منطقه‌ای شامل مطالعات کالفت و فلوریس (۲۰۰۴) جهت بررسی موافقنامه آزاد تجاری کشورهای عضو اتحادیه اروپا با مرکوسور و ریدرادو و لونکانزا (۲۰۰۵)

جهت بررسی زمینه‌های توسعه تجارت در آمریکای لاتین و حسن‌پور (۱۳۸۳) جهت معرفی فهرست بخش‌های پیشنهادی و درخواستی ایران در تجارت با هر یک از کشورهای عضو نظام ترجیحات تجاری از شاخص مذکور استفاده شده است.

۵. تجارت مکملی

برای تخمین تجارت مکملی ایران در صادرات کالا به هر یک از کشورهای گروه بربیکس و بر حسب صادرات کالاهای دارای مزیت از رابطه ذیل استفاده گردیده است:

$$C_{irj} \equiv \sum_k \left[RCA_{ir}^k \cdot \theta^k \cdot RMA_{jr}^k \right] \quad (7)$$

در این رابطه، θ^k معادل $\frac{X_{ww}^{k\in S}}{X_{ww}^s}$ است که سهم صادرات جهانی کالای k از کل صادرات جهانی بخش S (گروه کالایی) بیان می‌کند و RCA_{ir}^k مزیت نسبی آشکاره شده ایران و RMA_{jr}^k عدم مزیت نسبی آشکار شده هر یک از طرفهای تجاري (j) و C_{irj} شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات کالاهای دارای مزیت با هر یک از کشورهای منطقه (j) می‌باشد. در این پژوهش تجارت مکملی بر حسب کدهای شش رقمی طبقه‌بندی نظام هماهنگ (HS)^۱ برآورد گردیده است.

برای بررسی تجارت مکملی ایران در واردات کالا از هر یک از کشورهای منطقه و بر حسب کدهای کالایی (HS) تجارت از رابطه ذیل استفاده گردید:

$$C_{jir} \equiv \sum_k \left[RCA_{jr}^k \cdot \theta^k \cdot RMA_{ir}^k \right] \quad (8)$$

در این رابطه، RMA_{ir}^k عدم مزیت نسبی آشکاره شده ایران و RCA_{jr}^k مزیت نسبی آشکار شده هر یک از طرفهای تجاري و C_{jir} شاخص تجارت مکملی کالای k در واردات غیرنفتی ایران از هر یک از کشورهای منطقه (j) است.

1. Harmonized System

۶. پتانسیل تجاری

در پژوهش حاضر جهت تخمين پتانسیل تجاري ايران با کشورهای گروه بريکس از روش‌های پیشنهادی آنکناد به صورت زير استفاده شده است. جهت تخمين پتانسیل صادراتي دوچانبه ايران با هر يك از کشورهای گروه بريکس از رابطه زير استفاده مي گردد:

$$IXP_{ij}^k = \text{MIN}(X_{iw}^k, M_{jw}^k) \quad (9)$$

$j=1,2,3,4,5$: ايران $i=1$

X_{iw}^k : ارزش صادرات ايران به جهان در کالاي k

M_{jw}^k : ارزش واردات کشورهای گروه بريکس از جهان در کالاي k

IXP_{ij}^k : ارزش پتانسیل صادراتي ايران در تجارت با کشورهای گروه بريکس در کالاي k

به اين ترتيب، ابتدا ارزش صادرات و واردات جهاني ۵ کشور گروه بريکس بر حسب کد های شش رقمی HS از بانک نرم افزاري آنکناد تحت عنوان PC/TAS استخراج و ارقام صادرات و واردات کشورها به صورت دوچانبه و مشترک استخراج و حداقل آن به عنوان حداکثر پتانسیل تعیین مي گردد، سپس با استفاده از رابطه زير پتانسیل صادراتي ايران در تجارت با هر يك از کشورها تجمع و به صورت خلاصه در جداول ارائه مي شود.

$$POT_{ij} = \sum_{k=1}^m IXP_{ij}^k \quad (10)$$

براي تخمين پتانسیل وارداتي دوچانبه اiran با هر يك از کشورهای گروه بريکس از رابطه ذيل استفاده گرديد:

$$IMP_{ij}^k = \text{MIN}(M_{iw}^k, X_{jw}^k) \quad (11)$$

$j=1,2,3,4,5$ $i=1$

X_{jw}^k : ارزش صادرات کشورهای گروه بريکس به جهان در کالاي k

M_{iw}^k : ارزش واردات اiran از جهان در کالاي k

IMP_{ij}^k : ارزش پتانسیل وارداتي کشورهای گروه بريکس در تجارت با کشور اiran در کالاي k

٧. تخمین نتایج

بر اساس جدول (۲) کالایی عمده صادراتی ایران شامل کدهای کالایی ۷۷۱ و ۷۰۹۰۰ است که از خاتمه نفت و گاز می‌باشد و تنها محصول کشاورزی صادراتی ایران در سال ۲۰۱۱ که دارای مزیت نسبی ۵۸٪ باشد پسنه است که بالغ بر یک میلیارد دلار به جهان صادرات داشته است و سایر کالاهای نیز جزء فرآورده‌های نفت و گاز یا منابع معدنی می‌باشند که یانگر کم بودن سهم محصولات صنعتی در صادرات جهانی ایران می‌باشد. قابل ذکر است که صادرات ایران در ۱۰ کالایی مذکور در جدول بالغ بر ۹۵٪ میلیارد دلار بوده که سهم ۷۳ درصدی از صادرات جهانی ایران را به خود اختصاص داده است.

جدول ۲. کالای عمدہ و دارای مزیت نسبی صادراتی ایران به جهان (۲۰۱۱)

کد کالا	شرح کالا	صادرات جهانی ایران (میلیون دلار)	شاخص مزیت (RCA) نسبی
۲۷۰۹۰۰	نفت خام (Petroleum Oil) و روغن حاصل از مواد معدنی قیری، خام	۸۴۳۸۱/۶	۸/۹
۲۷۱۱۱۲	پروپان: مایع شده در ظروف کمتر از یک هزار سانتی متر مکعب	۱۹۵۸/۳	۸/۸
۲۷۱۱۱۹	سایر گازهای نفتی و سایر هیدروکربورهای گازی شکل مایع شده در ظروف کمتر از یک هزار سانتی متر مکعب	۱۸۹۱/۲	۴۴/۲
۳۹۰۱۱۰	--- پلی اتیلن خطی (LLDPE): به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۱۶۶۰/۶	۷/۷
۲۹۰۵۱۱	--- متانول (الکل متیک)	۱۳۱۸/۰	۲۵/۱
۲۷۱۱۱۳	--- بوتان: مایع شده در ظروف کمتر از یک هزار سانتی متر مکعب	۱۱۸۶/۵	۶/۶
۰۸۰۲۵۰	- پسته	۱۰۱۲/۸	۵۸/۲
۳۱۰۲۱۰	- اوره حتی به صورت محلول در آب	۹۷۶/۷	۸/۵
۲۷۱۳۲۰	- قیر نفت	۷۰۴/۶	۶/۸
۷۴۰۳۱۱	-- مس تصفیه شده: کاتوود و قطعات کاتوود	۶۳۸/۷	۱/۲

مأخذ: نتایج تحقیق.

در جدول (۳)، کالای عمده که دارای بیشترین پتانسیل در صادرات ایران به کشورهای گروه بریکس می‌باشند ارائه شد و برای رعایت نزوم اختصار به نخستین کالا در صادرات ایران به هر کشور اشاره می‌گردد.

بر اساس جدول ذیل در صادرات به کشورهای بزرگ، چین، هند، روسیه و آفریقای جنوبی به طور متوسط طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۱) به ترتیب بالغ بر ۲۷، ۸۳/۷، ۸۷/۴ و ۲۲/۸ میلیارد دلار می‌باشد. ایران در صادرات کالای اوره حتی به صورت محول در آب) به کشورهای بزرگ و آفریقای جنوبی پیشترین پتانسیل صادراتی را داشته و کالای مذکور جزء کالاهای مزیت‌دار صادراتی ایران می‌باشد و این در حالی است که در کد مذکور ایران صادراتی به کشورهای بزرگ و آفریقای جنوبی نداشته است. پیشترین پتانسیل صادراتی ایران در صادرات به کشورهای چین، هند و روسیه در کد کالایی ۳۹۰۱۱۰ (---پلی اتیلن خطی (LLDPE) به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی کمتر از ۹۴ درصد بوده که کالاهای مذکور نیز جزء کالاهای مزیت‌دار صادراتی ایران است.

امکان سنجی/ایجاد موافقنامه تجارت ترجیحی ایران... ۱۲۱

جدول ۳. عمده‌ترین اقلام دارای بیشترین پتانسیل صادراتی در صادرات ایران به کشورهای گروه بریکس (میلیون دلار)

شریک تجاری	کد کالایی	شرح کالا	ارزش پتانسیل صادراتی (۲۰۱۰-۱۱) (میلیون دلار)	هزینه نسبی	صادرات ایران ۲۰۱۱
بُریکس	۳۱۰۲۱۰	- اوره حتی بهصورت محلول در آب	۶۱۶	۸/۵	۱۳/۱
بُریکس	۷۴۰۳۱۱	-- مس تصفیه شده: کاتود و قطعات کاتود --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۵۳۰	۱/۲	
بُریکس	۳۹۰۱۱۰	بهصورت پودربا وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۳۵۹	۷/۷	
بُریکس	۳۹۰۱۱۰	بهصورت پودربا وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۱۶۱۳	۷/۷	۴۶۶/۴
بُریکس	۲۹۰۵۱۱	-- متابول (الکل متیک) -- سنج آهن و کنسانترهای آن غیر از پیریت های آهن تفته شده (خاکستر	۱۱۷۷	۲۵/۱	۸۴۹/۵
بُریکس	۲۶۰۱۱۱	پیریت): به هم فشرده نشده --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۸۴۹	۰/۸	۲۲۰۷/۸
بُریکس	۳۹۰۱۱۰	بهصورت پودربا وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۹۷۹	۷/۷	۲۸/۲
بُریکس	۳۱۰۲۱۰	- اوره حتی بهصورت محلول در آب	۶۱۶	۸/۵	۶۷۱/۲
بُریکس	۲۹۰۲۴۳	-- پارا - اکسیلن (p-Xylene) --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۴۳۸	۴/۰	۲۶/۷
بُریکس	۳۹۰۱۱۰	بهصورت پودربا وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۳۳۰	۷/۷	۰/۰۳
بُریکس	۳۹۰۱۲۰	-- گرید لوله: بهصورت پودر (پلی اتیلن با وزن مخصوص (چگالی) ۹۴ درصد یا بیشتر)	۳۳۰	۲/۱	۲/۳
بُریکس	۳۹۰۷۶۰	-- گرید نساجی	۲۹۷	۲/۸	
بُریکس	۳۱۰۲۱۰	- اوره حتی بهصورت محلول در آب --- پلی اتیلن خطی (LLDPE):	۲۸۷	۸/۵	
بُریکس	۳۹۰۱۱۰	بهصورت پودربا وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد	۲۰۱	۷/۷	۱/۱
بُریکس	۸۷۰۳۲۳	-- سایر وسایل نقلیه دارای موتور بیستونی درونسوز تاوبی جرقه‌ای - اختراقی: با حجم سیلندر ۱۵۰ سانتی متر مکعب تا ۲۴۰ سانتی متر مکعب	۱۵۷	۰/۳	

مأخذ: نتایج تحقیق.

مطابق جدول (۴) ارزش متوسط پتانسیل وارداتی ایران از کشورهای بزرگیل، چین، هند، روسیه و آفریقای جنوبی به ترتیب ۷۴، ۳۸، ۲۴/۶، ۴/۷ و ۱۶/۲ میلیارد دلار می‌باشد و عملده‌ترین کالای دارای بیشترین پتانسیل وارداتی ایران به ترتیب در کالاهای کالایی (Oil-Cake) (کنجاله) و ... (Oil-Cake) از بزرگیل ۳۰۰۴۹۰ (--- سایر داروهای ...) از چین ۱۰۰۶۳۰ (برنج نیمه سفید شده ...) از هند ۲۷۱۰۰۰ (نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری) از روسیه و ۷۲۰۸۳۹ (--- سایر محصولات تخت نورد شده از آهن یا از فولادهای غیر ممزوج ...) از آفریقای جنوبی می‌باشد.

امکان سنجی ایجاد موافقنامه تجارت ترجیحی ایران... ۱۲۳

جدول ۴. عمده‌ترین اقلام دارای بیشترین پتانسیل وارداتی در واردات از کشورهای گروه بریکس
(میلیون دلار، ۲۰۱۱-۲۰۱۰)

کد تجاری کالایی	شرح کالا	پتانسیل وارداتی	مزیت نسبی شریک تجاری ۲۰۱۱	مزیت نسبی شریک ایران از شریک تجاری	وارادات
۲۳۰۴۰۰	کنجاله (Oil-Cake) و سایر آخالهای جامد حتی خردشده یا به هم فشرده به صورت حبه یا گلوله که از استخراج روغن سویا بدست می‌آید.	۷۹۰		۱۴/۸	۱۵۵/۸
۰۲۰۲۳۰	-- ران به صورت بی استخوان گوشت حیوانات از نوع گاو، بیخ زده -- شکر تصفیه شده بدون اضافه کردن مواد خوشبو کننده یا مواد رنگ کننده از نیشکر	۷۶۷		۱۵/۰	۶۸۸/۸
۱۷۰۱۱۱	-- سایر داروهای (با استثنای محصولات شماره ۰۶ ۳۰ ۰۵ با ۰۶ ۳۰ ۰۲) با ۰۶ ۳۰ ۰۵ با ۰۶ ۳۰ ۰۲ -- مشکل از محصولات مخلوط شده یا نشده برای مصارف درمان یا پیشگیری از بیماری، عرضه شده به صورت مقادیر معین (از جمله آنهایی که از طریق عبور از پوست تجویز شده‌اند) یا به صورت بسته‌بندی برای خرده	۶۷۶		۴۳/۰	۴۶۶/۵
۳۰۰۴۹۰	-- سایر محصولات تخت نوردشده از آهن یا از ولادهای غیرمزوج با پهناهی ۶۰۰ میلیمتر یا بیشتر، گرم نوردشده، روکش نشده، آبکاری نشده و انود نشده به صورت طومار (Coil) تنها گرم نورد شده به ضخامت کمتر از ۳ میلیمتر	۷۶۳		۰/۰۵	۳/۲
۷۲۰۸۳۹	نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری - برنج نیمه‌سفید شده (Semi milled Rice) یا برنج کامل سفید شده (Wholly Milled Rice) حتی صیقلی یا براق شده	۶۲۷		۰/۰۱	
۲۷۱۰۰۰	کنجاله (Oil-Cake) و سایر آخالهای جامد حتی خردشده یا به هم فشرده به صورت حبه یا گلوله که از استخراج روغن سویا بدست می‌آید.	۶۱۱		۰/۲	۱۱/۹
۱۰۰۶۳۰	-- ران به صورت بی استخوان گوشت حیوانات از نوع گاو، بیخ زده -- نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری	۹۵۸		۱۱/۳	۵۸۱/۰
۲۳۰۴۰۰	کنجاله (Oil-Cake) و سایر آخالهای جامد حتی خردشده یا به هم فشرده به صورت حبه یا گلوله که از استخراج روغن سویا بدست می‌آید.	۷۹۰		۴/۹	۵۸۱/۲
۰۲۰۲۳۰	-- ران به صورت بی استخوان گوشت حیوانات از نوع گاو، بیخ زده	۷۶۷		۹/۳	۷۷/۵
۲۷۱۰۰۰	نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری	۶۱۱		۳/۴	۱۴/۶
۳۹۰۱۲۰	-- گرید لوله؛ به صورت پودر (پلی‌ایلن با وزن مخصوص (چگالی) ۹۴ درصد یا بیشتر)	۱۶۴		۰/۱	
۸۷۰۳۲۳	-- سایر وسایل نقلیه دارای موتور پیستونی درونسوز تناوبی جرقه‌ای - احتراقی با حجم سیلندر ۱۵۰۰ سانتی متر مکعب تا ۲۴۰۰ سانتی متر مکعب	۱۵۷		۰/۱	
۷۲۰۸۳۹	-- سایر محصولات تخت نوردشده از آهن یا فولادهای غیرمزوج با پهناهی ۶۰۰ میلیمتر یا بیشتر، گرم نورد شده، روکش نشده، آبکاری نشده و انود نشده به صورت طومار (Coil) تنها گرم نورد شده به ضخامت کمتر از ۳ میلیمتر	۱۰۶۷		۵/۹	
۲۷۱۰۰۰	نفت و روغن‌های حاصل از مواد معدنی قیری	۶۱۱		۰/۳	
۲۷۰۴۰۰	-- کک و نیمه کک (Semi-Coke) زغال‌سنگ، لیبیت یا تورب حتی به هم فشرده؛ زغال قرع برای ساخت الکترودها	۴۸۳		۰/۲	

مأخذ: نتایج تحقیق.

بر اساس جدول (۵) طی دوره (۱۱-۲۰۰۰-۲۰۱۱) شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات به کشورهای گروه بریکس بزرگتر از یک بوده که این مطلب حاکی از تشابه بالای صادرات ایران با واردات کشورهای گروه بریکس می‌باشد و این امکان تجارت بین ایران و کشورهای گروه بریکس را افزایش می‌دهد. شاخص تجارت مکملی ایران از رقم ۱/۶ در سال ۲۰۰۰ با نرخ رشد متوسط سالانه ۳/۱ در حال کاهش بوده و در سال ۲۰۱۱ به ۱/۱ تنزل می‌باشد. سهم کشورهای گروه بریکس از واردات جهانی طی دوره (۱۱-۲۰۰۰-۲۰۱۱) ۰/۱ درصد بوده است. صادرات ایران به کشورهای گروه بریکس با نرخ رشد متوسط سالانه ۳۲/۸ درصد از رقم ۰/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۸/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته و سهم آن از صادرات جهانی ایران به طور متوسط ۱۱/۳ درصد بوده است.

جدول ۵. وضعیت شاخص تجارت مکملی ایران در صادرات به کشورهای گروه بریکس (میلیارد دلار، ۲۰۱۱-۲۰۰۰)

مأخذ: نتاج تحقيق.

بر اساس نتایج پژوهش مشترین تشابه بین الگوهای صادراتی ایران و الگوهای وارداتی هند وجود داشته و رقم شاخص مذکور برای کشور هند طی دوره مورد مطالعه به طور متوسط $\frac{3}{2}$ درصد بوده است. کمترین رقم شاخص تجارت مکملی در صادرات ایران با واردات کشور روسیه بوده که از رقم $\frac{1}{4}$ فراتر نرفته و به طور متوسط $\frac{3}{4}$ درصد بوده است.

بر اساس جدول (۶) شاخص تجارت مکملی ایران در واردات از کشورهای گروه بربیکس طی دوره (۲۰۰۹-۲۰۰۰) بزرگتر از یک بوده و حاکمی از تشابه الگوهای وارداتی ایران و الگوهای صادراتی کشورهای گروه بربیکس است. سهم کشورهای گروه بربیکس از صادرات جهانی طی دوره مورد مطالعه بهطور متوسط ۱/۰ درصد می باشد. واردات ایران از کشورهای گروه بربیکس طی دوره (۲۰۱۱-۲۰۰۰) با نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۲ درصد از ۲/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۹/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. سهم واردات ایران از کشورهای گروه بربیکس از واردات جهانی ایران طی دوره مورد مطالعه از ۱۶/۴ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۴ درصد در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است. تجارت مکملی در واردات ایران از کشور برزیل در مقایسه با سایر کشورها بیشتر بوده و طی دوره مذکور بهطور متوسط ۱/۹ است که حاکمی از تشابه در الگوهای وارداتی ایران و صادراتی کشور برزیل است.

جدول ۶. وضعیت شاخص تجارت مکملی ایران در واردات از کشورهای گروه بریکس

وضعیت	سالانه (درصد)	متوسط	نرخ رشد
شاخص تجارت مکملی			
ایران در واردات کالا			
با صادرات کشورهای			
بریکس	-۲	۰/۹۴	۰/۹۵
سهم کشورهای گروه	۷/۹	۰/۲	۰/۲
بریکس از صادرات			
جهانی			
واردات ایران			
از کشورهای	۱۴/۲	۹/۶	۸/۳
گروه بریکس			
واردات ایران	۱		
از جهان			
واردات ایران	۲		
از جهان			
سهم ۱ از	-۱/۴	۱۴/۰	۱۵/۱

مأخذ: نتایج تحقیق.

۸. جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

ایران در سال‌های پس از انقلاب موضوع منطقه‌گرایی و همگرایی اقتصادی را به شدت دنبال نموده است و از آنجایی که برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثر ترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. کشورهای عضو بربیکس که به پیشازان اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه تبدیل شده‌اند (بجز کشور روسیه که کشوری توسعه یافه محسوب می‌شود) و بواسطه اقتصادهایی با رشد پرشتاب و فرآگیر و نفوذ تأثیرگذار بر امور جهانی و منطقه‌ای از دیگر کشورها متمایز می‌باشند. تعامل با چنین کشورهایی الگوی مناسبی برای پیشرفت کشور ایران بوده و توسعه روابط تجاری با آنها می‌تواند زمینه‌های رشد اقتصادی ایران و حضور پرنگتر آن در عرصه تجارت جهانی را ایجاد نماید.

نتایج حاکی از آن است بر اساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۱ کشورهای گروه بربیکس دارای وسعت و جمعیتی بالغ بر ۳۸ میلیون کیلومتر و ۳ میلیارد نفر می‌باشند و ۳۰ درصد از مساحت و ۴۳ درصد از جمعیت کره زمین را به خود اختصاص داده‌اند. ایران نیز با وسعت ۱/۶ میلیون کیلومتر دارای جمعیتی بالغ بر ۷۵ میلیون نفر می‌باشد. کشورهای گروه بربیکس در مجموع در سال ۲۰۱۱ تولید ناخالص داخلی حدود ۶۱۵۳ میلیارد دلار داشته که نیمی از آن متعلق به کشور چین بوده است. سرمایه‌گذاری مستقیم در جهان در سال ۲۰۱۰ به طور کلی ۱۴۵۷/۵ میلیارد دلار بوده است که سهم کشورهای عضو گروه بربیکس با ۳۰۲ میلیارد دلار ۲۰ درصد بوده و ایران نیز ارزشی معادل ۳/۶ میلیارد دلار از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را از آن خود نموده است. از لحاظ شاخص‌های اجتماعی ایران تنها در شاخص توسعه انسانی وضعیت مناسبی داشته و در سایر شاخص‌ها (فضای کسب و کار، آزادی اقتصادی و رقابت‌پذیری) وضعیت کشورهای گروه بربیکس (برخی کشورها) بهتر از ایران بوده است. تنها کشور آفریقای جنوبی از لحاظ شاخص آزادی اقتصادی وضعیت مناسبی دارد و سایر کشورها تقریباً دارای اقتصاد بسته هستند. ارزش صادرات و واردات جهانی کشورهای گروه بربیکس در سال ۲۰۱۱ به ترتیب مجموع ۳۰۶۶ و ۲۸۳۸ میلیارد دلار بوده و حدود ۶۲ درصد (۱۸۹۸/۴ میلیارد دلار از صادرات و ۱۷۴۳/۴ از واردات) متعلق به کشور چین بوده و کشور ایران نیز صادرات و وارداتی به ترتیب بالغ بر ۱۳۰ و ۶۸ میلیارد دلار داشته ۸/۳ میلیارد دلار از صادرات و ۹/۶ میلیارد دلار از واردات با کشورهای گروه بربیکس بوده است. ارزش پتانسیل ایران در صادرات به کشورهای گروه بربیکس (برزیل، چین، هند، روسیه و آفریقای جنوبی) به طور متوسط طی دوره (۲۰۱۰ - ۲۰۱۱) به ترتیب بالغ بر ۲۷، ۸۳/۷، ۸۸/۴، ۲۷، ۱۲، ۸۳ و ۲۲/۸ میلیارد دلار و پتانسیل ایران در واردات از کشورهای مذکور نیز به ترتیب بالغ بر ۴۷، ۲۴/۶، ۳۸، ۴۷/۲ و ۱۶/۲ میلیارد دلار می‌باشد.

عمده‌ترین کالاهای دارای پتانسیل صادراتی ایران در صادرات به کشورهای مذکور نیز به ترتیب عبارتند از کدهای ۳۱۰۲۱۰ (اوره حتی به صورت محلول در آب) در صادرات ایران به کشورهای بربازیل و آفریقای جنوبی و در صادرات کد کالایی ۳۹۰۱۱۰ (پلی اتیلن خطی LLDPE) به صورت پودر با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۹۴ درصد در صادرات به سه کشور دیگر بیشترین پتانسیل صادراتی را داشته که هر دو محصول جزء محصولات پتروشیمی بوده، اما با وجود پتانسیل بالای صادراتی ایران برخی کشورهای مورد مطالعه مانند بربازیل هیچ وارداتی از ایران نداشته و سایر کشورها نیز واردات اندکی داشته‌اند. یکی از محصولات غذایی که ایران در صادرات به گروه بریکس به‌ویژه روسیه دارای پتانسیل صادراتی بالایی است سبب می‌باشد و پس از آن محصولاتی مانند پسته و زعفران و ... در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند و برای تبدیل پتانسیل صادراتی ایران به صادرات تحقق یافته نیاز به سیاستگذاری‌های مورد نیاز می‌باشد.

نتایج شاخص تجارت مکملی حاکی از آن است که شاخص تجارت مکملی در صادرات ایران به کشورهای گروه بریکس در دوره مورد مطالعه بزرگتر از یک بوده که این مطلب نشان‌دهنده تشابه بالای صادرات ایران با واردات کشورهای گروه بریکس می‌باشد و بیشترین تشابه بین الگوهای صادراتی ایران و الگوهای وارداتی هند وجود داشته و رقم شاخص تجارت مکملی ایران در واردات از کشورهای گروه بریکس تنها در دو سال پایانی کوچکتر از یک و در سایر سالها بزرگتر از یک بوده است که نشان‌دهنده تشابه الگوهای وارداتی ایران و الگوهای صادراتی کشورهای گروه بریکس است و بیشترین تشابه در الگوهای وارداتی ایران و صادراتی کشور بربازیل است.

بر اساس نتایج فوق ایران شرایط لازم برای همگرایی اقتصادی با کشورهای گروه بریکس را به طور نسبی دارد و می‌تواند با ایجاد زیرساخت‌ها و تقویت توان تولیدی کشور پتانسیل ایران در تجارت با کشورهای گروه بریکس افزایش داده و انعقاد یک موافقنامه تجارت آزاد و ایجاد بلوک منطقه‌ای بین ایران و کشورهای مورد مطالعه را منطقی و در آینده‌ای نزدیک دست یافتنی خواهد نمود، همچنین قابل ذکر است که ایجاد هر یک از مراحل همگرایی موفق و رو به جلو فرایندی زمان بر و پیچیده است که به میزان و وسعت دسترسی به بازار هر یک از این کشورهای گروه بریکس در این فرایند بستگی دارد. کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، بهبود فضای کسب و کار و تسهیل در جریان مبادلات ارزی و مالی کشورها در قالب طرح‌های همگرایی می‌تواند عامل توسعه روابط و استحکام این روابط گردد و دسترسی به بازار کشورهای مورد مطالعه برای صادرکنندگان ایران با شناخت بخش‌ها و کشورهای هدف و الگوبرداری از کشورهای مورد مطالعه طی فرایند همگرایی و رسیدن به درجه توسعه یافته‌گی

بالا حتی در کوتاه‌مدت نیز می‌تواند اتفاق افتد. ایران نیز با اتخاذ یک دیلماسی واقع‌بینانه، پویا، همه‌جانبه و سازگار با واقعیت‌های کشورهای گروه بریکس می‌تواند میان انبوھی از فرصت‌ها چه در بخش کالایی و چه در بخش غیرکالایی نظر خدمات حمل و نقل و خدمات فنی و مهندسی سهم مناسبی از ظرفیت‌های بازار کشورهای گروه بریکس را در اختیار گیرد و در راستای تأمین هر چه بیشتر منافع ملی، گسترش و تعمیق روابط میان طرفین و دستیابی به جایگاه نخست اقتصادی علمی و فناوری طبق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله تا سال ۱۴۰۴ گام بردارد.

نکته‌ای که در اینجا لازم است خاطر نشان شود این است که چین و هند جزء بهترین شرکای تجاری ایران محسوب می‌شوند و توسعه روابط تجاری ایران با کشورهای مذکور به طور قطع زمینه‌ساز روابطی بهتر از حال با کشورهای هم گروه آنها یعنی بزریل، روسیه و آفریقای جنوبی خواهد بود. علیرغم وجود منافع مشترک بالا بین ایران و روسیه در منطقه خزر و بیش از همه در زمینه استخراج و انتقال ذخایر هیدروکربنی، توسعه مسیرهای بین‌المللی حمل و نقل برای انتقال و ترانزیت بارهای دو کشور و نیز کشورهای خارجی در مسیر شمال-جنوب و حفظ و استفاده منطقی از ذخایر بیولوژیکی این دریا سطح تجارت بین دو کشور در حداقل خود قرار دارد و توسعه روابط با کشورهای گروه بریکس می‌تواند زمینه‌ساز همکاری متقابل روسیه و ایران در بخش نفت و گاز از جمله از طریق ایجاد مسیرهایی برای انتقال مواد خام هیدروکربنی شده که نه تنها به لحاظ اقتصادی برای دو کشور سودمند است، بلکه موجب تحکیم سیاست خارجی کشور روسیه در جنوب آسیا، آسیای مرکزی، خاورمیانه و خاور نزدیک و درنهایت به تقویت امنیت اقتصادی این کشور در این منطقه منجر می‌گردد. در شرایط حاضر ایران نیز با عنایت به شرایط پیرامونی خود و شرایط بین‌المللی اهمیت زیادی برای توسعه روابط ایران و روس در سطح گفتگوهای بین‌دولتی در حوزه اقتصاد قائل است، بنابراین به منظور اتخاذ سیاست‌های مناسب در ایجاد ارتباط با کشورهای مذکور مطالعات و پژوهش امری ضروری و اجتناب پذیر است.

منابع

- حسن پو، یوسف (۱۳۸۴)، سنجش اکمال تجاری کشورهای عضو OIC، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- حسینی، میرعبدالله و حیدر زرگی (۱۳۸۹)، "ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های صادرات کالای ایران به کشور آفریقای جنوبی"، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۴۰.
- رحمانی، میترا، عسگری، منصور و محمد رضا عابدین (۱۳۸۵)، "دستاوردهای تجاری تشکیل بلوک منطقه‌ای در مرکز قاره آسیا"، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۳۸، صص ۲۳۶-۲۱۳.
- شکیبایی، علیرضا و فاطمه کبری بطا (۱۳۸۸)، "همگرایی اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی"، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۵۳.
- غلامی، علی (۱۳۸۵)، "تحلیل آثار آزادسازی تجاری ایران با کشورهای مسلمان (دلالتهای مدل جاذبه)", فصلنامه اندیشه صادق، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۲.
- مهدی پورتملی، فاطمه (۱۳۸۴)، "ارزیابی و تعیین ظرفیت‌های تجاری دو جانبه ایران با کشورهای عضو موافقنامه تجارت ترجیحی سازمان کنفرانس اسلامی"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۶، صص ۱۳۹-۱۰۷.
- Balassa, B. (1986), "Intra-Industry Specialization: A Cross-Country Analysis", *European Economic Review*.
- German, Calfat & Renato Flores J. R. (2004), "The EU-Mercosur Free Trade Agreement: Quantifying Mutual Gains", Institute for Development Studies and Management.
- Jayati, Ghosh, Peter, Havlik, Marcos P. Ribiero & Waltraut Urban (2009), "Models of BRIC Economic Development and challenges for EU competitiveness", The Vienna Institute for International Economic Studies.
- Martin, Redrado & Hernan Lacunza (2005), "A New Approach to Trade Development in Latin America", Inter-American Development Bank.
- Mohim, Prof Sheihaki Tash & Dr Idris Bin Jajri & Mohammad Nabi Shahiki Tash (2012), "An Analysis of Bilateral Trade between Iran and D-8 Countries", Global Journals Inc (USA).
- Sarath Chandran, B. P. (2010), *Trade Complementarity and Similarity between India and ASEAN Countries in the Context of the RTA*, Goa: Munich Personal RePEc Archive.
- Seung Jin Kim. (2013), "Trade Complementarity between South Korea and Her Major Trading Countries: Its Changes Over the Period of (2005-2009)", *World Review of Business Research*.
- Tereza De Castro (2010), *Trade Cooperation Indicators: Development of BRIC Bilateral Trade Flows*.

